

## ریخت‌شناسی حکایت‌های عاشقانه بخش «مکر زنان» در هزار و یک شب بر پایه نظریه روایی پراپ

محمدامیر مشهدی\*

مقداد گلشنی\*\*

### چکیده

روایت‌شناسی رویکردی است ساختارگرا و در پی یافتن نظام حاکم بر انواع روایی و ساختار بنیادین روایت. یکی از برجسته‌ترین پژوهش‌ها در زمینه روایت‌شناسی پژوهش پراپ روی صد قصه فولکلور روس است. این پژوهش‌ها به صدور حکم‌هایی درباره ساخت بنیادین قصه‌های پریان و رده‌بندی آن‌ها انجامیده است. در پژوهش حاضر، با نگاه به نظریه پراپ، وجود یا فقدان ساختار روایی کلی در حکایت‌های عاشقانه بخش «مکر زنان» در هزار و یک شب و کارآمدی یا ناکارآمدی نظریه روایی پراپ در تبیین ساختارهای روایی این حکایت‌ها بررسی شده است. بدین‌منظور، نخست روایت و برخی عناصر ساختاری آن تعریف شده است. پس از مروری بر تاریخچه روایت‌شناسی و مهم‌ترین آرای روایت‌شناسان، نظریه روایتی پراپ و برخی نقدهای صورت‌گرفته به آن بیان شده است. سپس، تک‌تک قصه‌ها تحلیل و به قصد مقایسه جدول‌بندی شده است. نتایج برآمده از جدول‌بندی قصه‌ها نشان می‌دهد حکایت‌های بررسی شده، از نظر نوع خویش‌کاری‌ها، ساختار مشابهی منطبق بر الگوی پراپ دارند، اما از نظر توالی خویش‌کاری‌ها از توالی مورد نظر پراپ پیروی نمی‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** پراپ، حرکت داستانی، خویش‌کاری، روایت‌شناسی، هزار و یک شب.

---

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، mashhadi.ma40@gmail.com  
\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، meghdadgolshani@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱۲

## ۱. مقدمه

روایت‌شناسی رویکردی است ساختارگرا برای یافتن نظام حاکم بر انواع روایی و ساختار بنیادین روایت. یکی از برجسته‌ترین تلاش‌ها در این زمینه پژوهشی است که ولادیمیر پراپ روی صد قصه فولکلور روس انجام داده و حکم‌هایی درباره ساختار قصه‌های پریان صادر کرده است. پراپ کوشیده است ساختار بنیادین این قصه‌ها را فرمول‌بندی و سرانجام رده‌بندی کند (پراپ، ۱۳۸۶). پس از او چنین پژوهش‌هایی درباره قصه‌های ملل گوناگون انجام شده است؛ وهویلانن در یک نمونه بررسی قصه‌های عامیانه سوئدی و خدیش در یک نمونه بررسی قصه‌های عامیانه فارسی به نتایجی مشابه نتایج پراپ رسیده‌اند (خدیش، ۱۳۸۷؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۲۸۶-۲۹۲).

تا کنون درباره حکایت‌های هزارویک شب پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ برخی پژوهش‌ها، هم‌چون «سیمای زن در هزارویک شب» (پورکریمی شیرایه، ۱۳۸۹)، «نقد کهن‌الگویی داستان‌های هزارویک شب» (گزمه، ۱۳۹۰)، «تحلیل روان‌شناسی اسطوره در داستان‌های هزارویک شب (سفرهای آیینی)» (شکیبی ممتاز، ۱۳۹۲)، و «چاره‌گری زنانه در هزارویک شب» (ابراهیمی، ۱۳۸۸)، از منظر روایت‌شناسانه به این حکایت‌ها پرداخته و دیدگاه‌های دیگر را برای بررسی حکایت‌ها پی گرفته‌اند. برخی پژوهش‌ها، مانند «گشایش و بست روایی در افسانه‌های هزارویک شب» (نجفی بشردوست، ۱۳۸۲)، «بررسی ساختار قصه‌های هزارویک شب» (محمودی، ۱۳۸۸)، و «بررسی تطبیقی ساختار روایی در هفت سفر سندباد بحری از هزارویک شب با آخرین سفر یک ملوان، اثر جان بارت» (موسوی، ۱۳۹۳)، از دیدگاه روایت‌شناسانه به هزارویک شب پرداخته‌اند، ولی پایه نظری‌شان تئوری پراپ نبوده است. برخی دیگر از پژوهش‌ها، مانند «بررسی ساختاری روایت در حکایت‌های جامع هزارویک شب» (خراسانی، ۱۳۸۰)، «ریخت‌شناسی پنجاه قصه برگزیده هزارویک شب» (لطفی، ۱۳۹۰)، و «بررسی ساختار روایی و عناصر داستانی مجموعه حکایت‌های سندباد بحری در هزارویک شب» (محمدی، ۱۳۸۹)، به بررسی بخش‌های دیگری از هزارویک شب، غیر از حکایت‌های بخش «مکر زنان»، پرداخته‌اند. فقط مقاله خراسانی، مزداپور، و ذنوبی با نام «تحلیل ساختاری مکر و حیلۀ زنان در قصه‌های هزارویک شب» (خراسانی و دیگران، ۱۳۸۹)، هم برخوردار از تئوری روایی پراپ به‌منزله پایه نظری است هم در آن عمدتاً به بخش «مکر زنان» از هزارویک شب پرداخته شده است، اما در مطالعه حاضر از تئوری پراپ عمدتاً به‌منظور رده‌بندی انواع فریب‌های زنانه و گونه‌های شخصیتی کنش‌گران درگیر در این فریب‌ها بهره برده شده است.

پژوهش حاضر با نگاه به نظریه روایی پراپ به دنبال بررسی وجود یا فقدان ساختار روایی کلی در حکایت‌های عاشقانه (با تعریف وسیعی از این واژه) بخش «مکر زنان» در هزارویک شب و امکان نسبت دادن این ساختار به همه قصه‌هاست. در این پژوهش کارآمدی یا ناکارآمدی نظریه روایتی پراپ در تبیین و توضیح ساختارهای روایی این حکایت‌ها و نیز دیدگاه‌های انتقادی به نظریه پراپ بررسی شده است.

## ۱.۱ روایت و برخی عناصر ساختاری آن

روایت بنیاد قصه است (مستور، ۱۳۸۴: ۷). تولن روایت را «پیرفت ادراک‌شده رویدادهایی [می‌داند] که به‌طور غیرتصادفی به هم اتصال یافته‌اند» (۱۳۷۷: ۶). به‌عبارت دیگر، «روایت توالی منظم حوادثی است که دارای ارتباط استنتاجی باشند» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۱)؛ استم و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۱۹-۱۲۰؛ اسمایلی، ۱۳۷۷: ۳۹-۴۰). دو خصوصیت توالی زمانی و ارتباط علی و استنتاجی موجب تمایزی شد که فرمالیست‌ها میان قصه و پیرنگ قائل شدند (تودوروف، ۱۳۸۸: ۱۴؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۴۰؛ هارلند، ۱۳۸۲: ۲۳۸-۲۳۹؛ استم و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۲۱-۱۲۲). بعدها ساختارگرایان نیز بر این تمایز تأکید کردند و آن را بسط دادند (ایگلتن، ۱۳۶۸: ۱۴۵). فورستر این تمایز را این‌گونه توضیح می‌دهد:

داستان را به‌عنوان نقل ریشه‌ای [رشته‌ای؟] از حوادث که برحسب توالی زمانی ترتیب یافته باشند تعریف کردیم. طرح نیز نقل حوادث است با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلول (فورستر، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۹؛ مارتین، ۱۳۸۹: ۵۸).

پیرنگ ساختمان منطقی و سببی (اخوت، ۱۳۷۱: ۴۲) و نظام زنجیره‌ای و استنتاجی حوادث داستان است (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۲۹؛ اسکولز، ۱۳۷۷: ۵۱؛ پرین، ۱۳۶۲: ۲۶-۳۹؛ بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

ارسطو پیرنگ را اساس تراژدی و انتظام ماجراهای آن می‌دانست. او بر آن بود که «اجزای طرح طوری با کل در هم آمیخته است که اگر عنصری از کل حذف شود، شیرازه آن از هم می‌گسلد» (اخوت، ۱۳۷۱: ۳۶-۴۰؛ میلر، ۱۳۷۷: ۷۴). مجموعه‌ای از افعال و کنش‌ها پیرنگ را می‌سازند و پویایی آن به‌سبب آن است که گسترش و حرکت داستان با آن پی‌ریزی می‌شود (اخوت، ۱۳۷۱: ۴۳-۴۵؛ میلر، ۱۳۷۷: ۷۸؛ غیاتی، ۱۳۶۸: ۵۶؛ کالر، ۱۳۸۸: ۲۸۸).

پژوهش‌های پراپ توجه روایت‌شناسان را به نقش فاعل و کنش‌های قصه جلب کرد. هنری جیمز حادثه را «تعیین شخصیت» می‌دانست (سناپور، ۱۳۸۳: ۴۵) و نورتروپ فرای

پیرنگ را «انجام یافتن چیزی به دست شخصی» تعریف می‌کرد (فرای، ۱۳۷۷: ۴۷). این امر به‌ویژه در قصه، که (در مقایسه با رمان و داستان کوتاه جدید) حادثه رکن بنیادی آن است (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۷۱؛ میرصادقی، ۱۳۸۳: ۵۴؛ یونسی، ۱۳۸۴: ۱۰)، صادق است. پراپ در «قصه‌های عامیانه می‌کوشد نشان دهد که چگونه صد قصه مورد بررسی‌اش در واقع اشکال مختلف یا، به بیان دیگر، طرح‌های روایی متفاوت یک طرح اولیه بنیادین هستند» (برتنس، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۹؛ میلر، ۱۳۷۷: ۷۹).

### ۲.۱ روایت‌شناسی و پیشینه تاریخی آن

«اولین بار تودوروف در کتاب *دستور زبان دکامرون* واژه «روایت‌شناسی» (narratology) را به‌عنوان «علم مطالعه قصه» به کار برد» (اخوت، ۱۳۷۱: ۷). او ریشه روایت‌شناسی را به مباحث زبان‌شناسی دوسوسور، چامسکی، و نظریه‌های فرمالیستی برگرداند (تودوروف، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۵). دوسوسور میان زبان (langue) و گفتار (parole) تمایز گذاشت (کالر، ۱۳۸۸: ۲۵). مارتینه این تمایز را به شرح زیر مشخص ساخت:

لازم است با دقت بین پدیده‌های گوناگون زبان‌شناختی، آن‌طور که در جمله‌ها رخ می‌نمایند، از یک سو، و پدیده‌های زبان‌شناختی ویژه متعلق به شخصی که درصدد ارتباط است، از سوی دیگر، تفاوت قائل شویم (غیاشی، ۱۳۶۸: ۱۲؛ هارلند، ۱۳۸۲: ۲۲۰-۲۲۱).

بعدها، روایت‌شناسان همین تمایز را درباره زبان جهانی روایت (ساختار کلی روایت، فارغ از زمینه‌هایی که در آن روایت می‌شود) و روایت، آن گونه که روایت می‌شود، قائل شدند (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۶؛ هارلند، ۱۳۸۲: ۳۶۱).

اخوت و پروینی و ناظمیان نیز روایت‌شناسی را رویکرد و علمی «نوین» و «نویناد» می‌دانند (اخوت، ۱۳۷۱: ۲؛ پروینی و ناظمیان، ۱۳۸۷: ۱۸۳). اما، نویسندگان فرهنگ اصطلاحات ادبی کادن و احمدی و اردلانی، اگرچه پراپ را پیش‌گام روایت‌شناسی مدرن می‌دانند، پیشینه فلسفی ساختارگرایی و روایت‌شناسی را به ارسطو برمی‌گردانند (پروینی و ناظمیان، ۱۳۸۷: ۱۸۵؛ اردلانی، ۱۳۸۷: ۱۰؛ احمدی، ۱۳۸۰: ۱۶-۲۶).

### ۳.۱ چکیده برخی نظریه‌های روایی

توماشفسکی و وسلوفسکی موتیف را کوچک‌ترین واحد روایتی می‌دانند (کالر، ۱۳۸۸: ۲۹۱؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۵۰؛ پراپ، ۱۳۸۶: ۲۷). موتیف‌ها دو نوع‌اند: ۱. موتیف‌های پیوسته

(bound motif): موتیف‌هایی که ارتباط زمانی - سببی دارند و پویا هستند؛ ۲. موتیف‌های توصیفی یا آزاد (free motif): موتیف‌هایی بدون عنصر زمان و ایستا که فقط چیزی یا حالتی ایستا را توصیف می‌کنند (اخوت، ۱۳۷۱: ۵۰-۵۲؛ تودوروف، ۱۳۸۸: ۱۵۹؛ غیاثی، ۱۳۶۸: ۱۵۳-۱۵۴).

توماشفسکی گسترش داستان را گذر از وضعیتی به وضعیت دیگر می‌داند که با موتیف‌های پیوسته انجام می‌شود (اخوت، ۱۳۷۱: ۵۱). پراپ به این نتیجه رسید که همه قصه‌های مورد بررسی اش «در آغاز شرایط متعادل و به‌سامانی را روایت می‌کنند، بعد نیرو[ها]ی این وضعیت متعادل را بر هم می‌زنند و، بالاخره، طی کنش‌هایی تعادل ... دوباره برقرار می‌شود» (همان: ۱۱-۱۲؛ تولن، ۱۳۷۷: ۷). این فرایندهای سه‌گانه را می‌توان این‌گونه نمایش داد: «فرایند پایدار نخستین؛ فرایند ناپایدار میانی؛ فرایند پایدار فرجامین» (جهانگیر و عباسی، ۱۳۸۶: ۱۶۰). همین فرایندها را، در توصیفی جزئی‌تر، تودوروف و فریتاک عناصر الزامی قصه ذکر کرده‌اند (تودوروف، ۱۳۸۷: ۶۳؛ تودوروف، ۱۳۷۷: ۹۱؛ تودوروف، ۱۳۸۸: ۶۷؛ براهنی، ۱۳۶۸: ۲۱۴-۲۱۵؛ مارتین، ۱۳۸۹: ۵۸). البته، تودوروف وجود برخی چرخه‌های ناقص در قصه‌ها را تأیید می‌کند (تودوروف، ۱۳۸۷: ۶۳؛ تودوروف، ۱۳۷۷: ۹۱؛ تودوروف، ۱۳۸۸: ۶۷). سرآمی نام‌های «ناداستان» و «نیمه‌داستان» را بر این چرخه‌های ناقص نهاده است (سرآمی، ۱۳۶۸: ۵۰-۵۱).

## ۲. نظریه روایتی پراپ

بسیاری ولادیمیر پراپ را پیش‌گام روایت‌شناسی می‌دانند (کالر، ۱۳۸۸: ۲۹۰؛ ذکایی، ۱۳۸۷: ۷۲؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۱۸؛ پروینی و ناظمیان، ۱۳۸۷: ۱۸۳). پراپ بر آن بود که قصه‌ها را باید براساس ساختار روایتشان رده‌بندی کرد و نباید رده‌بندی بیرونی (مثل رده‌بندی‌های مبتنی بر مضمون، شخصیت، و خاستگاه جغرافیایی قصه) را بر شواهد تجربی تحمیل کرد (پراپ، ۱۳۸۶: ۲۵؛ ذکایی، ۱۳۸۷: ۷۲).

پراپ خویش‌کاری را کوچک‌ترین واحد ساختاری روایت معرفی می‌کند و می‌نویسد:

[در قصه‌ها] نام قهرمانان داستان‌ها و هم‌چنین صفات آن‌ها [خصوصیات ایستا و وصفی] تغییر می‌کند، اما کارهای آنان و خویش‌کاری‌هایشان تغییر نمی‌کند ... [یعنی] کارهای مشابه به شخصیت‌های مختلف نسبت داده می‌شود ... خویش‌کاری یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه‌نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد تعریف می‌شود. (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۰-۵۳؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۱۹-۲۰؛ استم و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۳۰).

از نظر پراپ، خویش‌کاری‌ها سازه‌های بنیادی قصه‌اند و از این‌که چه کسی آن‌ها را انجام می‌دهد و چگونه انجام می‌پذیرند مستقل‌اند (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۹؛ هارلند، ۱۳۸۲: ۲۴۶). پراپ پس از برشمردن ۳۱ خویش‌کاری افسانه‌های پریان می‌نویسد:

خویش‌کاری‌ها را باید جدا از شخصیت‌هایی که تصور می‌شود انجام‌دهنده آن‌ها هستند ... [و] مستقل از این‌که چگونه و به چه روشی انجام می‌گیرند توصیف نمود ... زیرا خویش‌کاری‌های مختلف می‌توانند به روش کاملاً یک‌سانی انجام گیرند ... در این‌گونه موارد، همیشه امکان دارد که اصل تعریف یک خویش‌کاری بر حسب عواقب و نتایج آن را حکم قرار دهیم (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۸).

پراپ، سپس، با تقسیم خویش‌کاری‌ها به هفت حوزه عمل (دایره عمل، circle of action)، از این حوزه‌ها شخصیت‌های هفت‌گانه قصه - شریر، بخشنده، یاری‌گر، شخص مورد جست‌وجو، گسیل‌دارنده، قهرمان، و قهرمان دروغین - را استخراج می‌کند. در قصه یک تیپ می‌تواند چند نقش را به‌عهده بگیرد. مثلاً، فردی می‌تواند هم شریر هم قهرمان قلابی باشد؛ همان‌طور که یک نقش را هم چند نفر می‌توانند بازی کنند. مثلاً، چند نفر نقش یاری‌دهنده را به‌عهده بگیرند (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۰؛ هارلند، ۱۳۸۲: ۲۴۷). پراپ، هم‌چنین، برای این‌که این تصور پیش نیاید که عامل جادویی همواره شیء یا موجود زنده‌ای بیرون از قهرمان است که او را یاری می‌رساند، آشکار می‌کند که «یک صفت یا توانایی هم‌چون یک موجود زنده عمل می‌کند» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

پراپ «حرکت» (move) را یک توالی از چند رخداد از حالت متعادل به نامتعادل و دوباره متعادل می‌داند. مثلاً، وقتی شرارتی حالت متعادل را بر هم می‌زند، یک رخداد روی داده است، اما تا این حالت نامتعادل در اثر رخدادی (مثلاً پیروزی بر شریر) به تعادل ثانویه نرسد، حرکت کامل نشده است. حرکت بخشی از قصه است. هر قصه می‌تواند چند حرکت داشته باشد که به شکل‌های گوناگون با هم ترکیب یافته‌اند، اما نمی‌تواند از یک حرکت کم‌تر باشد.

او ترکیب حرکت‌ها را به صورتی که در پی می‌آید ممکن می‌داند: ۱. حرکتی مستقیماً حرکت دیگر را دنبال کند؛ ۲. حرکتی حرکت اول را قطع کند؛ ۳. حرکت ضمنی نیز قطع شود؛ ۴. قصه با دو شرارت هم‌زمان آغاز شود؛ ۵. دو حرکت پایان‌مشارکی داشته باشند؛ ۶. قصه‌ای دو جست‌وجوگر داشته باشد (همان: ۱۸۴-۱۸۶؛ تولن، ۱۳۷۷: ۱۳).

پراپ، پس از تحلیل قصه‌ها و تشکیل جدول خویش‌کاری‌ها، به جدا کردن رده قصه پریان از سایر قصه‌ها و سپس رده‌بندی خود قصه‌های پریان پرداخت. او، با توجه به ثبات

ساختمان قصه‌ها (تکرارشوندگی خویش‌کاری‌ها و نیز تکرارشوندگی هنجار توالی خویش‌کاری‌ها)، رده قصه پریان را رده‌ای دارای این خویش‌کاری‌ها و نیز دارای نظم آن‌ها تعریف کرد (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۹۶). سپس با توجه به اصل محورهای مانعة‌الجمع (محورهایی از خویش‌کاری‌ها که حضور هم‌زمان هر دوی آن‌ها در قصه‌ها رخ نداده یا به‌ندرت رخ داده باشد) به رده‌بندی زیر رسید:

بسط از طریق خویش‌کاری H-I [مبارزه - پیروزی]، بسط از طریق خویش‌کاری M-N [کار و مأموریت دشوار - انجام دادن آن]، بسط از طریق هر دو، و بسط بدون هیچ‌یک از این‌ها (همان: ۲۰۱).

پراپ هشدار می‌دهد که در قصه‌های چندحرکتی هر حرکت را جداگانه باید تحلیل کرد، زیرا حرکت‌ها جداگانه بسط و تکامل می‌یابند (همان: ۲۰۱-۲۰۲).

## ۱.۲ برخی نقدها به نظریه روایتی پراپ

لوی استروس و گرماس بر آن‌اند که بررسی کنش‌های قصه به‌تنهایی پرداختن به روساخت ظاهری قصه است و از تحلیل زیرساخت معنایی آن بازمی‌ماند (تولن، ۱۳۷۷: ۳۲). آن‌ها هم‌چنین بر آن‌اند که پراپ انتزاع خویش‌کاری‌ها را تا حد نهایی پی‌نگرفته و این امر باعث انضمام خویش‌کاری‌ها به مؤلفه‌های غیرساختاری، پُر تعداد بودن آن‌ها، و نیز ندیده گرفتن قدرت زایشی طرح‌شده است (تودوروف، ۱۳۸۸: ۱۶۱؛ هارلند، ۱۳۸۲: ۳۶۴؛ تولن، ۱۳۷۷: ۳۲؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۶۶). گریمای حوزه‌های کنشی هفت‌گانه پراپ را به شش کنش‌گر تقلیل داد: فاعل و مفعول، فرستنده و گیرنده، و یاری‌دهنده و دشمن (هارلند، ۱۳۸۲: ۳۶۴؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۲۰-۲۱).

خدیش نیز گستردگی خویش‌کاری‌های پراپ را «غیرضروری» می‌داند (خدیش، ۱۳۸۷: ۵). هم‌چنین، بررسی او نشان می‌دهد که توالی خویش‌کاری‌ها، برخلاف نظر پراپ، قاعده‌مند نیست (همان: ۱۰۴-۱۰۵).

## ۲.۲ نمونه تجزیه و تحلیل یک حکایت ساده یک‌حرکتی

۱.۲.۲ حکایت «پادشاه سال‌خورده و دختر عمّش»، با قهرمان دانستن پادشاه (طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)

پادشاهی سال‌خورده مال و جاه و سپاه فراوان داشت، ولی فرزندی نداشت ( $\alpha a^6$ ).

نیاز به داشتن فرزند [برای قهرمان] آشکار [و او به مقابله راضی] شد (C<sup>4</sup> B). این خویش‌کاری در حکایت صراحتاً ذکر نشده، ولی به‌طور ضمنی آمده است. پراپ خویش‌کاری‌هایی را که به‌طور ضمنی در قصه آمده‌اند در تحلیل دخیل می‌کند (← پراپ، ۱۳۸۶: ۱۹۲ (درباره خویش‌کاری C) یا همان: ۱۹۴ (درباره خویش‌کاری ↓)).

انبیا و اولیا را نزد خدا شفیع کرد (F<sup>9</sup>). (← پراپ، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸).

فرستاده‌ای نزد دخترعمویش فرستاد (G ↑). (می‌توان فرستاده را یاری‌گری دانست که خدمتی عرضه می‌کند یا حتی فرستاده را یگانه قهرمان قصه تلقی کرد و به نتایج متفاوت در تحلیل قصه رسید، اما این انتخاب‌ها موجب آمیختگی فراوان در حوزه‌های عمل اشخاص قصه می‌شود که مجاز ولی غیرضروری است. بنابراین، براساس یکی از تبصره‌های پراپ که می‌گوید: «[گاه] یک حوزه عملیاتی واحد میان چند شخصیت تقسیم می‌شود» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۶۵)، فرستاده را یکی از قهرمانان قصه در نظر می‌گیریم).

با دخترعمویش ازدواج کرد (F<sup>9</sup>). (می‌توان با تفسیرهای متفاوت f<sup>l</sup> و F<sup>6</sup> را نیز برگزید. در این‌جا ازدواج خویش‌کاری ازدواج در «فهرست اختصارات» پراپ نیست، زیرا نیاز در این قصه نیاز به فرزند است نه زن و زن در این‌جا در واقع یاری‌گری است که با شفاعت انبیا و اولیا قهرمان را به هدف خود می‌رساند. «خویش‌کاری یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد تعریف می‌شود» (همان: ۵۳). پراپ در فصل چهارم کتاب خود درباره این «هم‌سان‌گردی»‌ها مفصل‌تر بحث کرده است (همان: ۱۲۷-۱۴۴)).

او را به خانه آورد و از او تمتع گرفت. زن آستن شد و فرزندی زایید (K<sup>5</sup> ↓).

$$\alpha a^6 B^4 C F^9 \uparrow G F^9 \downarrow K^5$$

### ۳.۲ نمونه تجزیه و تحلیل یک حکایت پیچیده دوحرکتی

۱.۳.۲ حکایت «ملک‌زاده و زنش»، با قهرمان دانستن ملک‌زاده (طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۸۲)

ملکی پسری داشت. ملک شاه‌زاده‌خانمی زیبا را برای پسرش تزویج کرد. پسرعموی شاه‌زاده خانم از او خواستگاری کرده بود، ولی او راضی نمی‌شد (α) (هم در حرکت مبتنی بر نیاز هم در حرکت مبتنی بر شرارت)). در این‌جا ازدواج خویش‌کاری ازدواج از «فهرست اختصارات» نیست، زیرا وصال هنوز رخ نداده است و، در واقع، انگیزه حرکت قصه نیز همین وصال است که هنوز رخ نداده است.



پسرعمو شنید که دختر را به دیگری داده‌اند. هدیه‌ای گران‌بها به وزیر ملک فرستاد و از او خواست نیرنگی بسازد که سبب مرگ یا پشیمانی ملک‌زاده از ازدواج شود. وزیر پذیرفت ( $\lambda^1 - \zeta^1 \varepsilon$ ) (در حرکت مبتنی بر شرارت)).

پدر دختر ملک‌زاده را احضار کرد. پدر ملک‌زاده به او اجازه داد و وزیر را با او فرستاد ( $a^1 B^2 C \uparrow$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز) و ( $\beta^3 \gamma^2 - \delta^2$ ) (در حرکت مبتنی بر شرارت)).

وزیر ملک‌زاده را به چشمه‌ای هدایت کرد که هر کس از آن می‌نوشید زن می‌شد. ملک‌زاده از آن چشمه نوشید و زن شد ( $\eta^1 - \theta^1 A^{11}$ ) (در حرکت مبتنی بر شرارت)).

ملک‌زاده نامه‌ای به پدر نوشت و آن را با وزیر فرستاد و خود در آن‌جا ماند. وزیر ملک را از قضیه آگاه کرد. ملک حکیمان را به یاری خواست، ولی آنان نتوانستند یاری کنند ( $B^1 C$ ) (در حرکت مبتنی بر شرارت)).

سواری بر ملک‌زاده پدید آمد و پس از گفت‌وگویی به او گفت همراهش شود تا مشکل را حل کند. ملک‌زاده با او همراه شد. به چشمه‌ای رسیدند که هر کس از آن می‌نوشید مرد می‌شد. ملک‌زاده از آن چشمه نوشید و مرد شد ( $D^2 - E^2 F^9 \uparrow G K^8$ ) (در حرکت مبتنی بر شرارت)).

غلامکی ملک‌زاده را بر دوش گرفت و پرواز کرد و او را به قصر پدرزنش رساند ( $F^9 G^1$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)).

پدرزن ملک‌زاده او و دخترش را به حجله فرستاد ( $K^4(W^*)$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)). آن‌ها دو ماه آن‌جا بودند و بعد به شهر ملک‌زاده برگشتند ( $\downarrow$ ) (در هر دو حرکت مبتنی بر نیاز و شرارت)).

پسرعمو از حسودی هلاک شد و ملک‌زاده و پدرش نیز بر وزیر پیروز شدند ( $H-I(U)$ ) (در حرکت مبتنی بر شرارت)).

$$\alpha \quad a^1 B^2 C \uparrow \quad F^9 G^1 K^4(W^*) \downarrow$$

$$\alpha \varepsilon^1 - \zeta^1 \lambda \quad \beta^3 \gamma^2 - \delta^2 \eta^1 - \theta^1 A^{11} B^1 C D^2 - E^2 F^9 \uparrow G K^8 \quad \downarrow H-I(U)$$

## ۴.۲ نمونه تجزیه و تحلیل یک حکایت پیچیده سه‌حرکتی

### ۱.۴.۲ حکایت «شاه‌زاده و کنیزک»، با قهرمان دانستن کنیزک (همان: ۱۶۹-۲۱۷)

شاه‌زاده‌ای در حکمت و ادب و فنون رزمی سرآمد بود. حکیم دربار پیش‌گویی کرد که اتفاق بدی برای او خواهد افتاد. بدین سبب، او را به قصری فرستادند تا خطر رفع شود ( $\alpha \beta^3$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)).

کنیزک تلاش کرد تا دل شاهزاده را به دست آورد ( $a^1 B^4 C$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)). در این جا فارغ از این که خواست کنیزک ازدواج است یا رابطه‌ای موقت و فارغ از جنسیت شاهزاده، خویش‌کاری «نیاز به عروس» انتخاب شده است.

شاهزاده به تندی با او برخورد و او را به کشتن تهدید کرد ( $K_{neg}^1 (W_{neg}^*)$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز) و  $A^{14}$  (در حرکت اول مبتنی بر شرارت)). در این جا تهدید به کشتن همان خویش‌کاری «کشتن» در «فهرست اختصارات» فرض شده است.

کنیزک نزد شاه آمد و به دروغ عکس ماجرا را ادعا کرد. شاه فرمان کُشتن شاهزاده را صادر کرد ( $B^7 C$ ) (در حرکت اول مبتنی بر شرارت)).

وزیران تصمیم گرفتند شاه را از این کار منصرف کنند. نخست‌وزیر نزد شاه رفت و با پند و بازگویی حکایت تلاش کرد او را منصرف کند. متقابلاً، کنیزک نیز به همین وسیله می‌کوشید او را به کشتن شاهزاده ترغیب کند. سرانجام، شاه صدق سخنان شاهزاده را پذیرفت و داوری درباره کنیزک را به او داد. شاهزاده کنیزک را از شهر طرد کرد ( $H^2 - I_{neg}^2 U_{neg}$ ) (در حرکت اول مبتنی بر شرارت) و  $A^9 B^4$  (در حرکت دوم مبتنی بر شرارت)).

$$\alpha \beta^3 a^1 B^4 C K_{neg}^1 (W_{neg}^*)$$

$$A^{14} B^7 C H^2 - I_{neg}^2 U_{neg}$$

$$A^9 B^4$$

## ۵.۲ نمونه تجزیه و تحلیل یک حکایت با دو قهرمان متفاوت (دو حرکتی و یک حرکتی)

### ۱.۵.۲ حکایت دو حرکتی «ملک و زن وزیرش»، با قهرمان دانستن ملک (همان: ۱۷۰-۱۷۲)

ملکی زنان را دوست داشت ( $\alpha$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)).

روزی چشم ملک به زن وزیر افتاد و دل‌بسته او شد ( $a^1 B^4$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)).

به وزیر فرمان داد به سفر برود. وزیر به سفر رفت. ملک از غیبت وزیر استفاده کرد و به

خانه او رفت ( $C \uparrow$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)).

زن وزیر او را به مهمانی پذیرفت. ملک تلاش کرد او را به دست بیاورد، ولی زن

وزیر، با استفاده از کتابی سراسر پند و مثلی عبرت‌آموز، او را از این کار منصرف کرد

( $M - N_{neg} K_{neg}^1 (W_{neg}^*)$ ) (در حرکت مبتنی بر نیاز)). وضعیت بیان‌شده کاری دشوار در نظر

گرفته شده که ملک در آن بازنده می‌شود.

ملک شرمسار شد و به قصر خویش برگشت (↓ در حرکت مبتنی بر نیاز)). وزیر از سفر بازگشت و انگشتر ملک را، که در خانه‌اش جا مانده بود، دید و به رابطه ملک با زنش مشکوک شد و با زن سخن نمی‌گفت (L(A) در حرکت مبتنی بر شرارت)). وزیر قهرمانی دروغین فرض شده و شک او به ملک نیز ادعایی دروغین و شرارت فرض شده است.

زن کسی را نزد پدرش فرستاد و ماجرا را به او گفت. پدرش نیز نزد ملک رفت و او را آگاه کرد. روزی که وزیر و قاضی و پدرزن وزیر در حضور ملک بودند، ملک با تمثیلی به وزیر فهماند که شک وزیر به او و زنش بی‌مورد است. وزیر نزد زنش برگشت و با او آشتی کرد (M-N Q-Ex U<sub>neg.</sub> در حرکت مبتنی بر شرارت)). دفاع ملک از خودش در آن مجلس دادگاه‌مانند کار دشوار فرض شده است.

$$\alpha a^1 B^4 C \uparrow M-N_{neg.} K^1_{neg.} (W^*_{neg.}) \downarrow$$

$$L(A) M-N Q-Ex U_{neg.}$$

## ۶.۲ حکایت یک حرکتی «وزیر و زنش» (همان حکایت بالا)، با قهرمان دانستن وزیر، زن، و پدرزنش (همان)

ملکی زنان را دوست داشت. روزی چشم ملک به زن وزیر افتاد و دل‌بسته او شد (ε<sup>1</sup>-ε<sup>1</sup>). به وزیر فرمان داد به سفر برود. وزیر به سفر رفت (γ<sup>2</sup>-δ<sup>2</sup> β<sup>1</sup>). ملک از غیبت وزیر استفاده کرد و به خانه او رفت. زن وزیر او را به مهمانی پذیرفت. ملک تلاش کرد او را به دست بیاورد، ولی زن وزیر، با استفاده از کتابی سراسر پند و مثلی عبرت‌آموز، او را از این کار منصرف کرد (η<sup>3</sup>-θ<sup>3</sup><sub>neg.</sub>). ملک شرمسار شد و به قصر خویش برگشت (A<sup>16</sup><sub>neg.</sub>).

وزیر از سفر بازگشت و انگشتر ملک را، که در خانه‌اش جا مانده بود، دید و به رابطه ملک با زنش مشکوک شد. وزیر با زنش سخن نمی‌گفت. زن کسی را نزد پدرش فرستاد. ماجرا را به او گفت. پدرش نیز نزد ملک رفت و او را آگاه کرد (B<sup>1</sup> C ↑).

روزی که وزیر و قاضی و پدرزن وزیر در حضور ملک بودند، ملک با تمثیلی به وزیر فهماند که شک وزیر به او و زنش بی‌مورد است (H<sup>2</sup>-I<sup>2</sup><sub>neg.</sub> U<sub>neg.</sub>). در این‌جا آن مجلس دادگاه‌مانند کشمکش میان قهرمان و شریر فرض شده است، زیرا قصه از نوع شرارت است (← پراب، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۴۱)).

وزیر نزد زن خویش برگشت و با او آشتی کرد ( $\downarrow W^2$ ).  
 $\varepsilon^1 - \zeta^1 \gamma^2 - \delta^2 \beta^1 \eta^3 - \theta^3 \text{neg. } A^{16} \text{neg. } B^1 C \uparrow H^2 - I^2 \text{neg. } U_{\text{neg.}} \downarrow W^2$

۷.۲ نمونه تجزیه و تحلیل یک حکایت با دو قهرمان متفاوت (دو حرکتی و سه حرکتی)

۱.۷.۲ حکایت دو حرکتی «بازرگان و زنش»، با قهرمان دانستن بازرگان (طسوجی،  
 ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۳)

بازرگانی زیاد سفر می‌کرد و زنی زیبا داشت و به او غیرت می‌ورزید ( $\alpha$ ).  
 برای زنش طوطی‌ای خریده بود که آن طوطی ماجراهای زمان غیبت بازرگان را برایش  
 بازمی‌گفت ( $F^4$ ).

بازرگان به سفری رفت ( $\beta^1$ ).

زن عاشق پسری زیبا شد. پسر به خانه بازرگان می‌آمد و از وصل زن کام‌یاب می‌شد  
 ( $A \zeta^1 \varepsilon^1 - \delta^1 \gamma^1$ ). نهی و نقض نهی و خبرگیری شریک از احوال قهرمان به صورت ضمنی در  
 قصه آمده است.

بازرگان از سفر بازآمد و طوطی او را از ماجرا آگاه کرد ( $B^4$ ).

بازرگان تصمیم گرفت زن را بکشد ( $C$ ).

زن ادعا کرد که طوطی دروغ می‌گوید و بازرگان را فریفت. بازرگان خواست با زن  
 آشتی کند. زن شرط گذاشت که بازرگان طوطی را بکشد. بازرگان طوطی را کشت و با زن  
 آشتی کرد ( $I^5 \text{neg.}(U_{\text{neg.}})$ ).

چند روز بعد، وزیر پسری تُرک را دید که از خانه‌اش بیرون می‌آید و متوجه راستی  
 سخن طوطی شد ( $A B^4$ ).

وزیر به خانه آمد ( $C \uparrow$ ).

زن را کُشت ( $I^5(U)$ ).

$\alpha F^4 \beta^1 \gamma^1 - \delta^1 \varepsilon^1 - \zeta^1 A B^4 C I^5 \text{neg.}(U_{\text{neg.}})$

$A B^4 C \uparrow I^5(U)$

۲.۷.۲ حکایت سه حرکتی «پسر و زن بازرگان» (همان حکایت بالا)، با قهرمان دانستن زن  
 بازرگان (همان)

بازرگانی زیاد سفر می‌کرد و زنی زیبا داشت و به او غیرت می‌ورزید. برای زن طوطی‌ای

خریده بود که آن طوطی ماجراهای زمان غیبت بازرگان را برایش بازمی‌گفت  $\alpha$  (در حرکت اول مبتنی بر شرارت و حرکت مبتنی بر نیاز)).

بازرگان به سفری رفت  $\beta^1$  (در حرکت اول مبتنی بر شرارت و حرکت مبتنی بر نیاز)). زن عاشقِ پسری زیبا شد  $\gamma^1-\delta^1$  (در حرکت اول مبتنی بر شرارت)) و  $a B^4 C$  (در حرکت مبتنی بر نیاز)).

آن پسر به خانهٔ بازرگان می‌آمد و از وصل زن کامیاب می‌شد  $K^1(W^*)$  (در حرکت مبتنی بر نیاز)).

بازرگان از سفر بازآمد و طوطی او را از ماجرا آگاه کرد  $\varepsilon^1-\zeta^1$  (در حرکت اول مبتنی بر شرارت)).

بازرگان تصمیم گرفت زن را بکشد  $L A^{14}$  (در حرکت اول مبتنی بر شرارت)). زن ادعا کرد که طوطی دروغ می‌گوید و بازرگان را فریفت. بازرگان خواست با زن آشتی کند. زن شرط گذاشت که بازرگان طوطی را بکشد. بازرگان طوطی را کشت و با زن آشتی کرد  $B^4 C M-N Q-Ex U(W^2)$  (در حرکت اول مبتنی بر شرارت)). فریفتن بازرگان کار دشواری فرض شده است که زن آن را انجام می‌دهد.

چند روز بعد، بازرگان پسری تُرک را دید که از خانه‌اش بیرون می‌آید و متوجه راستی سخن طوطی شد  $\varepsilon^1-\zeta^1$  (در حرکت دوم مبتنی بر شرارت)).

به خانه آمد و زن را کُشت  $A^{14}$  (در حرکت دوم مبتنی بر شرارت)).

$$\alpha \beta^1 \gamma^1-\delta^1 \quad \varepsilon^1-\zeta^1 L A^{14} B^4 C M-N Q-Ex U(W^2)$$

$$a B^4 C K^1(W^*)$$

$$\varepsilon^1-\zeta^1 A^{14}$$

## ۸.۲ نتایج تجزیه و تحلیل حکایت‌ها براساس تئوری پراپ<sup>۱</sup>

پادشاه سال‌خورده و دخترعمش (با قهرمان دانستن پادشاه) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)	$\alpha a^6 B^4 C F^9 \uparrow G F^9 \downarrow K^5$
شاهزاده و کنیزک (با قهرمان دانستن کنیزک) (← همان: ۱۶۹-۲۱۷)	$\alpha \beta^3 a^1 B^4 C K^1_{neg}(W^*_{neg})$ $A^{14} B^7 C H^2-I^2_{neg} U_{neg}$ $A^9 B^4$
ملک و زن وزیر (با قهرمان دانستن ملک) (← همان: ۱۷۰-۱۷۲)	$\alpha a^1 B^4 C \uparrow M-N_{neg} K^1_{neg}(W^*_{neg}) \downarrow$ $L(A) M-N Q-Ex U_{neg}$

<p>وزیر و زنش (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن وزیر، زن، و پدرزنش) (← همان)</p> $\varepsilon^1-\zeta^1 \gamma^2-\delta^2 \beta^1 \eta^3-\theta^3 \text{neg. } A^{16} \text{neg. } B^1 C \uparrow H^2-I^2 \text{neg. } U_{\text{neg.}} \downarrow W^2$
<p>بازرگان و زنش (با قهرمان دانستن بازرگان) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۳)</p> $\alpha F^4 \beta^1 \gamma^1-\delta^1 \varepsilon^1-\zeta^1 A B^4 C I^5 \text{neg.}(U_{\text{neg.}})$ $A B^4 C \uparrow I^5(U)$
<p>پسر و زن بازرگان (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن زن بازرگان) (← همان: ۱۷۲-۱۷۳)</p> $\alpha \beta^1 \gamma^1-\delta^1 \varepsilon^1-\zeta^1 L A^{14} B^4 C M-N Q-Ex U(W^2)$ $a B^4 C K^1(W^*)$ $\varepsilon^1-\zeta^1 A^{14}$
<p>مرد عاشق و زن پاکدامن (با قهرمان دانستن مرد عاشق) (← همان: ۱۷۳-۱۷۴)</p> $a B^4 C \uparrow d^7-E^7 f^9 G K^1 \text{neg.} \downarrow W_{\text{neg.}}^*$
<p>زن پاکدامن و شوهرش (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن همسایگان) (← همان)</p> $\alpha \gamma^1-\delta^1 \eta^1-\theta^1 \beta^1 \varepsilon^1-\zeta^1 \lambda A^{14} B^1 C \uparrow G M-N Q-Ex K^{10}(W^2) U_{\text{neg.}}$
<p>زن و شوهرش (با قهرمان دانستن شوهر) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۷۸)</p> $\beta^1 \gamma^1-\delta^1 A F^9 C M-N_{\text{neg.}} Ex_{\text{neg.}} U_{\text{neg.}}$
<p>مرد رزاق و زن (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن مرد رزاق و زن) (← همان)</p> $a^1 B^4 C K^1(W^*)$ $A \downarrow M-N Q-Ex U$
<p>ملک‌زاده و زنش (با قهرمان دانستن ملک‌زاده) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۸۲)</p> $\alpha \quad a^1 B^2 C \uparrow \quad F^9 G^1 K^4(W^*) \downarrow$ $\alpha \varepsilon^1-\zeta^1 \lambda \quad \beta^3 \gamma^2-\delta^2 \eta^1-\theta^1 A^{11} B^1 C D^2-E^2 F^9 \uparrow G K^8 \quad \downarrow H-I(U)$
<p>شاه‌زاده خانم و پسرعمویش (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن پسرعمو) (← همان)</p> $A^1 B^4 C \uparrow d^7-E^7 f^9 G H-I \downarrow Pr^2-RS^9 \text{neg. } U_{\text{neg.}}(K^1 \text{neg.})$
<p>جوان گم‌راه و زن پاکدامن (با قهرمان دانستن جوان گم‌راه) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۸۵)</p> $a^1 B^4 \alpha \beta^1 C \uparrow d^7 f^9 E^7 G K^1 \text{neg.}(W_{\text{neg.}}^*)$
<p>زن پاکدامن و شوهرش (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن شوهر) (← همان)</p> $\alpha \beta^1 \varepsilon^1-\zeta^1 \lambda \eta^1-\theta^1 A d^7-E^2 F^9 G H^1-I^1 \text{neg. } K^1 \text{neg. } U_{\text{neg.}}(W^2)$
<p>سگ و عاشقش (حکایت دروغین پیرزن، با قهرمان دانستن عاشق) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۸۳)</p> $a^1 B^4 C \uparrow F_9^6 K_{\text{neg.}}(W_{\text{neg.}}^*)$
<p>زرگر و مغنیّه (با قهرمان دانستن زرگر) (← همان: ۱۸۵-۱۸۷)</p> $\alpha a^1 B^4 C \uparrow D^2-E^2 G^4 M-N K^1 \downarrow W^*$

<p>جوان و ملکه (با قهرمان دانستن جوان) (← همان: ۱۸۸-۱۹۲)</p> $\alpha \gamma^1 \beta^2 \delta^1 F^6 G^1 a^1 K^4 (W^*)$ $\alpha \gamma^1 \delta^1 Pr^2-Rs^1_{neg} A^1 B^7 C_{neg}$
<p>بازرگان و زنش (با قهرمان دانستن بازرگان) (← همان: ۱۹۲-۱۹۳)</p> $\alpha \beta^1 \varepsilon^1-\zeta^1 \gamma^1-\delta^1 \eta^2-\theta^2 \lambda A B^4 C \uparrow K_{neg} U_{neg} (W^2_{neg})$
<p>شاهزاده و زن بازرگان (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن شاهزاده) (← همان)</p> $\alpha \beta^3 a^1 B^4 C \uparrow d^7-E^7 F^9 G^2 K^5 (W^*) Pr^2-Rs \downarrow$
<p>خواجه و خاتون (با قهرمان دانستن خواجه) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۹۴-۱۹۵)</p> $\alpha \varepsilon^1-\zeta^1 \beta^3 \eta^2-\theta^2 A B^4_{neg} C_{neg} L Ex_{neg} U_{neg}$
<p>غلام و خاتون (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن غلام) (← همان)</p> $\alpha a^1 B^4 C \uparrow F^3 K^5 (W^*) Pr^2-Rs^3$
<p>زن و شوهرش (با قهرمان دانستن زن) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۱۹۵-۲۰۰)</p> $\alpha \beta^1 \gamma^1-\delta^1 a^1 B^4$ $A^{15} B^4 C \uparrow$ $A^{16} B^4 C \uparrow D^{10}-E^{10} F_4^3 H-I$ $K^{10} (W^*)$ $K^{10} \downarrow Ex U_{neg}$ $\downarrow Pr_{neg}-Rs^9 Ex U_{neg}$
<p>زن، والی، قاضی، وزیر، شاه، و نجار (همان حکایت بالا، با قهرمان دانستن والی، قاضی، وزیر، شاه، و نجار) (← همان)</p> $\eta^1-\theta^1 \lambda$ $a^1 B^4 C$ $A^{15}$ $\uparrow K^3_{neg} (W^*_{neg})$ $C_{neg} U_{neg}$ $A^{13} B^4 C M-N Q U_{neg}$
<p>شاهزاده‌خانم و بهرام (با قهرمان دانستن بهرام) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۲۰۱-۲۰۴)</p> $\alpha a^1 B^4 C \uparrow M-N_{neg} J^1-T^3 O F^3 K^5 Q \downarrow W^*$
<p>بازرگان‌زاده و منخطیه (با قهرمان دانستن بازرگان‌زاده) (← همان: ۲۰۴-۲۱۰)</p> $\alpha \beta^3 \gamma^1-\delta^1 a^1 B^4 C D^2-E^7 G^3 \uparrow F^4 K^2 (W^*)$
<p>منخطیه و شوهرش (با قهرمان دانستن منخطیه) (← همان)</p> $\varepsilon^1-\zeta^1 \eta^1-\theta^1 \lambda A^9 B^4 M-N Q-Ex U_{neg} (W^2)$
<p>مرد بدکار و مادر کودک سه‌ساله (با قهرمان دانستن مرد بدکار) (← طسوجی، ۱۳۸۳: ۲۱۴-۲۱۵)</p> $\alpha a^1 B^4 C \uparrow M-N_{neg} K^1_{neg} (W^*_{neg}) \downarrow$

## ۹.۲ نمودگار تجزیه و تحلیل حکایت‌ها براساس تئوری پراپ

پس از تجزیه و تحلیل تک‌تک حکایت‌ها، جدول نمودگارهای خویش‌کاری‌های قصه‌ها (بدون خویش‌کاری‌های بخش مقدماتی) ترسیم شد تا، با مقایسه الگوی آن‌ها با هم، قوانین حاکم بر قصه‌ها بررسی شود:

جدول ۱. جدول نمودارهای خویش‌کاری‌های قصه‌ها

۶	۵	۴	۳	۲	۱	قصه
I II	I II	I II	I II III	I II III	I	حرکت
A <sup>14</sup> A	A A <sup>neg.</sup> A	a <sup>1</sup> A	a <sup>1</sup> A <sup>14</sup> A <sup>9</sup>	a <sup>1</sup> A <sup>14</sup> A <sup>9</sup>	a <sup>6</sup>	a A
B <sup>4</sup> B <sup>4</sup> B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup> B <sup>4</sup> B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup> B <sup>7</sup> B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup> B <sup>7</sup> B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B
C C	C C	C	C C	C C	C	C
	↑	↑	↑		↑	↑
						d D
						E
	F <sup>4</sup>				F <sup>9</sup>	f F
					G	G
		H <sup>2</sup>		H <sup>2</sup>		H
	F <sup>neg.</sup> F <sup>neg.</sup>			F <sup>neg.</sup>		I
						J
K <sup>1</sup>				K <sup>neg.</sup>	K <sup>5</sup>	K
		↓	↓		↓	↓
						Pr
						Rs
						O
L			L			L
M			M M			M
N			N <sup>neg.</sup> N			N
Q			Q			Q
Ex			Ex			Ex
						T
U	U <sup>neg.</sup> U		U <sup>neg.</sup>		U <sup>neg.</sup>	U
W <sup>2</sup> W*		W <sup>2</sup>	W <sup>neg.</sup>	W <sup>neg.</sup>		W



۱۴	I	I	۱۳	I	۱۲	I	۱۱	I II	۱۰	I	۹	I	۸	I	V
A	a <sup>1</sup>	B <sup>4</sup>	A <sup>1</sup>	A <sup>1</sup> A <sup>11</sup>	a <sup>1</sup> A <sup>11</sup>	A	B <sup>4</sup>	I II	A	A <sup>14</sup>	A	A	A <sup>14</sup>	A	A
		B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>2</sup> B <sup>1</sup>	B <sup>2</sup> B <sup>1</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>			B <sup>1</sup>			B <sup>1</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>
		C	C	C C	C C	C	C		C	C	C	C	C	C	C
		↑	↑	↑ ↑	↑ ↑					↑			↑	↑	↑
d <sup>7</sup>	d <sup>7</sup>	d <sup>7</sup>	d <sup>7</sup>	D <sup>2</sup>	D <sup>2</sup>									d <sup>7</sup>	d <sup>7</sup>
E <sup>2</sup>	E <sup>7</sup>	E <sup>7</sup>	E <sup>7</sup>	E <sup>2</sup>	E <sup>2</sup>									E <sup>7</sup>	E <sup>7</sup>
F <sup>9</sup>	F <sup>9</sup>	F <sup>9</sup>	F <sup>9</sup>	F <sup>9</sup> F <sup>9</sup>	F <sup>9</sup> F <sup>9</sup>				F <sup>9</sup>					F <sup>9</sup>	F <sup>9</sup>
G	G	G	G	G <sup>1</sup> G	G <sup>1</sup> G					G			G	G	G
H <sup>1</sup>			H	H	H										
I <sup>neg.</sup>			I	I	I										
K <sup>1neg.</sup>	K <sup>1neg.</sup>	K <sup>1neg.</sup>	K <sup>1neg.</sup>	K <sup>4</sup> K <sup>8</sup>	K <sup>4</sup> K <sup>8</sup>				K <sup>1</sup>	K <sup>10</sup>			K <sup>10</sup>	K <sup>1neg.</sup>	K <sup>1neg.</sup>
			↓	↓ ↓	↓ ↓				↓					↓	↓
			Pt <sup>2</sup>												
			RS <sup>9neg.</sup>												
									M	M			M		
									N	N <sup>neg.</sup>			N		
									Q	Q			Q		
									Ex	Ex			Ex		
U <sup>neg.</sup>			U <sup>neg.</sup>	U	U				U	U <sup>neg.</sup>			U <sup>neg.</sup>		
W <sup>2</sup>	W <sup>neg.</sup>	W <sup>neg.</sup>		W <sup>*</sup>	W <sup>*</sup>				W <sup>*</sup>	W <sup>2</sup>			W <sup>2</sup>		W <sup>neg.</sup>

۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
I II III	I	I	I	I	I II	I	I
a <sup>1</sup> A <sup>15</sup> A <sup>16</sup>	a <sup>1</sup>	A	a <sup>1</sup>	A	a <sup>1</sup> A <sup>1</sup>	a <sup>1</sup>	a <sup>1</sup>
B <sup>4</sup> B <sup>4</sup> B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4 neg.</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>7</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>
C C	C	C <sub>neg.</sub>	C	C	C <sub>neg.</sub>	C	C
↑ ↑	↑		↑	↑		↑	↑
D <sup>10</sup>			d <sup>7</sup>			D <sup>2</sup>	
E <sup>10</sup>			E <sup>7</sup>			E <sup>2</sup>	
F <sub>4</sub> <sup>3</sup>	F <sup>3</sup>		F <sup>9</sup>		F <sup>6</sup>		F <sub>9</sub> <sup>6</sup>
			G <sup>2</sup>		G <sup>1</sup>	G <sup>4</sup>	
H							
I							
K <sup>10</sup> K <sup>10</sup>	K <sup>5</sup>		K <sup>5</sup>	K <sub>neg.</sub>	K <sup>4</sup>	K <sup>1</sup>	K <sub>neg.</sub>
↓ ↓			↓			↓	
Pr <sub>neg.</sub>	Pr <sup>2</sup>		Pr <sup>2</sup>		Pr <sup>2</sup>		
RS <sup>9</sup>	RS <sup>3</sup>		RS		RS <sub>neg.</sub>		
		L					
						M	
						N	
EX <sub>neg.</sub> EX		EX <sub>neg.</sub>					
U <sub>neg.</sub> U <sub>neg.</sub>		U <sub>neg.</sub>		U <sub>neg.</sub>	U		
W <sup>*</sup>	W <sup>*</sup>		W <sup>*</sup>	W <sup>2 neg.</sup>	W <sup>*</sup>	W <sup>*</sup>	W <sup>neg.</sup>

۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳
I	I	I	I	I II III
a <sup>1</sup>	A <sup>9</sup>	a <sup>1</sup>	a <sup>1</sup>	A <sup>15</sup> a <sup>1</sup> A <sup>13</sup>
B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup>	B <sup>4</sup> B <sup>4</sup>
C		C	C	C <sup>neg.</sup> C C
↑		↑	↑	↑
		D <sup>2</sup>		
		E <sup>7</sup>		
		F <sup>4</sup>	F <sup>3</sup>	
		G <sup>3</sup>		
			J <sup>1</sup>	
K <sup>1 neg.</sup>		K <sup>2</sup>	K <sup>5</sup>	K <sup>3 neg.</sup>
↓			↓	
			O	
M	M		M	M
N <sup>neg.</sup>	N		N <sup>neg.</sup>	N
	Q			Q
	Ex			
			T <sup>3</sup>	
	U <sup>neg.</sup>			U <sup>neg.</sup> U <sup>neg.</sup>
W <sup>neg.</sup>	W <sup>2</sup>	W <sup>*</sup>	W <sup>*</sup>	W <sup>neg.</sup>

### ۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

پراپ حکم/ فرض اول خود را این‌گونه بیان می‌کند:

خویش‌کاری‌های اشخاص قصه عناصر ثابت و پایدار را در یک قصه تشکیل می‌دهند و از این‌که چه کسی آن‌ها را انجام می‌دهد و چگونه انجام می‌پذیرند مستقل هستند. آن‌ها سازه‌های بنیادی یک قصه می‌باشند (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۳).

البته، استدلال‌ها و مثال‌هایی که پراپ همراه با بررسی انتقادی تئوری‌های وسلوفسکی و بدیه مطرح می‌کند برای اثبات این حکم/ فرض کافی است. مواد مورد بررسی پژوهش حاضر نیز این حکم/ فرض را تأیید می‌کند.

حکم/ فرض دوم پراپ این است: «شماره خویش‌کاری‌هایی که در قصه‌های پریان آمده است محدود است» (همان: ۵۳). در واقع، چنین است، اما این شماره بسته به این‌که تعریف خویش‌کاری‌ها چه دامنه‌ای از کنش‌ها را در بر گیرد متغیر است. مثلاً، می‌توان خویش‌کاری‌های D-E-F-G (نخستین خویش‌کاری بخشنده - واکنش قهرمان - دریافت عامل جادویی - انتقال یا راهنمایی قهرمان) را در D-F (برخورد با یاری‌گر/ بخشنده - دریافت عامل جادویی یا هر کمکی) خلاصه کرد یا حتی فقط F (دریافت عامل جادویی یا کمک) را مهم دانست. یا درباره خویش‌کاری «مصیبت مقدماتی حاصل از قراردادی خدعه‌آمیز»، که به «شرارت» می‌پیوندد، می‌توان پرسید: آیا لازم است این دو از هم جدا شوند یا می‌توان آن‌ها را در هم ادغام کرد؟!

حکم/ فرض سوم می‌گوید: «توالی خویش‌کاری‌ها همیشه یک‌سان است» (همان: ۵۴). به نظر می‌رسد در این مورد حق با وسلوفسکی، شکلوفسکی، و خدیش است. وسلوفسکی می‌گوید: «گزینش و ترتیب کارها و برخوردها (نمونه‌موتیف‌ها) از پیش مستلزم یک نوع آزادی است» (همان: ۵۳). شکلوفسکی نیز بیان می‌کند:

تقریباً محال است که آدمی دریابد چرا در اخذ و اقتباس یک قصه توالی تصادفی (تأکید از خود شکلوفسکی است) موتیف‌ها باید حفظ شود. شواهد نشان می‌دهد که این دقیقاً توالی رویدادهاست که بیش‌تر وقت‌ها به هم می‌ریزد (همان: ۵۳-۵۴).

و خدیش می‌نویسد:

ظاهراً، پراپ پس از نتیجه‌گیری قاطع خویش درباره توالی یک‌سان کارکردها با نمونه‌هایی مواجه شده که از این قانون تبعیت نمی‌کرده‌اند. از این رو، به توجیه نظریه‌اش، آن هم به صورتی نه‌چندان معقول، پرداخته است. او می‌گوید اگر کارکردها همیشه به دنبال هم

نیابند، این امر قانون پیش‌نهادی او را نقض نخواهد کرد: «این‌ها فقط نوسانات هستند، نه نظام ترکیبی و ساختمانی جدید یا محورهای جدید». پراپ به‌صراحت گفته است که بعضی از کارکردها می‌توانند جایشان را تغییر دهند و این امر مطمئناً ناقض قانون توالی یک‌نواخت کارکردهاست. در افسانه‌های جادویی ایرانی هیچ قاعده معینی برای تعیین توالی کارکردها وجود ندارد و نمی‌توان الگوهای دقیق و مستندی برای ترتیب در پی هم آمدن آن‌ها تنظیم کرد ... هیچ ضرورتی ندارد که همه این جفت‌ها با نظمی خاص و تخطی‌ناپذیر در داستان‌ها بیابند (خدیش، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۵).

در پژوهش حاضر نیز، در مواردی، خویش‌کاری‌های قصه از توالی مورد نظر پراپ و توالی قصه‌های مشابه پیروی نمی‌کند. باید گفت، برخلاف نظر پراپ، که می‌گوید «روایت‌گری آن قصه‌ها [قصه‌هایی که از توالی مورد نظر او پیروی نمی‌کنند] بی‌معنی است» (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۴)، روایت‌گری این قصه‌ها اشکالی ندارد. پراپ، با ارائه توالی مورد نظر خود به‌منزله «نظام»، بر مواردی که از این توالی پیروی نمی‌کنند نام «انحراف» نهاده است (همان: ۲۱۲). او در نظر نمی‌گیرد که نیازی نیست که موارد، به قول او، انحرافی نظام نوین را عرضه کنند تا حکم او مبنی بر یکسان بودن توالی خویش‌کاری‌ها نقض شود. بلکه، اساساً، نظام یکسانی وجود ندارد و همین موارد مثال‌های نقض‌اند بر توالی ارائه‌شده پراپ و مثال نقض کارش نقض یک حکم و نظام کلی است نه ارائه نظام نوین. بنابراین، از اعتراف خود پراپ مبنی بر وجود مثال‌های نقض و نیز وجود موارد مشابه در پژوهش حاضر نتیجه می‌گیریم: توالی یکسانی بر قصه‌ها حاکم نیست و توالی خویش‌کاری‌ها از قاعده‌مندی سفت و سختی پیروی نمی‌کند. البته این نتیجه وجود قاعده‌های بسیاری را که بر روابط درونی برخی خویش‌کاری‌های قصه حکم‌فرماست انکار نمی‌کند.

حکم/فرض چهارم پراپ می‌گوید: «همه قصه‌های پریان از جهت ساختمانشان از یک نوع هستند» (همان: ۵۶). به‌دلیل شناخته نشدن رده دیگری از قصه‌ها، که از ساخت قصه‌های پریان پیروی نکند، نمی‌توانیم در این باره اظهار نظر کنیم. فقط می‌توانیم بگوییم حکایت‌های عاشقانه بخش «مکر زنان» از همان ساخت حاکم بر قصه‌های پریان پیروی می‌کند.

درباره رده‌بندی قصه‌ها باید گفت در مواد مورد بررسی پژوهش حاضر نیز همان محورهای مانعة‌الجمع موجود در پژوهش پراپ وجود دارد. پراپ به نتیجه مانعة‌الجمع بودن محورهای H-I و M-N رسیده بود. در پژوهش حاضر، هشت حرکت دارای خویش‌کاری‌های جفت H-I، یازده حرکت دارای خویش‌کاری‌های جفت M-N، و بیست حرکت بدون هیچ‌یک از این جفت خویش‌کاری‌ها هستند و هیچ حرکتی هر دوی این جفت‌خویش‌کاری‌ها را ندارد. بنابراین، باید گفت حکایت‌های این پژوهش

میان سه رده از چهار رده ممکن در قصه‌های پریان توزیع شده است. دیگر این‌که، از نظر نگارندگان، رده‌بندی براساس شرارت یا کمبود ارزش خاصی ندارد و گمراه‌کننده است، زیرا در حکایت‌ها امکان‌های گوناگون برای دادن عنوان «قهرمان» به شخصیت‌های قصه هست و تحلیل براساس قهرمان دانستن هریک از شخصیت‌ها اساساً متفاوت خواهد شد. در این گونه موارد، جبهه‌گیری و احساس خواننده نسبت به شخصیت‌های مختلف عاملی مؤثر در انتخاب قهرمان و روند تحلیل حکایت خواهد بود (تودوروف، ۱۳۸۸: ۱۶۳-۱۶۴).

درباره امکان کاهش شمار شخصیت‌های نظریه پراپ می‌توان شخصیت‌های هفت‌گانه را کاهش داد و خویش‌کاری‌های شخصیت‌های محذوف را یا حذف کرد یا در خویش‌کاری‌های شخصیت‌های باقی‌مانده ادغام کرد. در این مورد، نظر خدیش مبنی بر امکان حذف «گسیل‌دارنده» و ادغام «قهرمان دروغین» در «شریر» و نیز «بخشنده» در «یاری‌گر» پذیرفتنی است. برخی خویش‌کاری‌ها، همان‌گونه که تودوروف می‌گوید، به‌راحتی حذف‌شدنی‌اند، بی‌این‌که به ساختار قصه لطمه‌ای وارد آید. علاوه بر مثال تودوروف از خویش‌کاری‌های بخش مقدماتی، مواردی هم هست که خویش‌کاری‌ها یا بسیار به هم نزدیک‌اند یا یکی در دیگری مستتر است. مثلاً، می‌توان «مصیبت مقدماتی حاصل از قراردادی خدعه‌آمیز» را در «شرارت» ادغام کرد یا «راضی شدن به مقابله» در «عزیمت، گسیل کردن قهرمان از خانه» مستتر است. می‌توان این‌گونه خویش‌کاری‌ها را از فهرست خویش‌کاری‌های اصلی و پیش‌برنده طرح روایت خارج کرد و آن‌ها را نشانه‌ها یا عناصر ثابت توصیفی و غیرروایی پنداشت.

#### ۴. نتیجه‌گیری

با تجزیه و تحلیل جزئی حکایت‌های بررسی‌شده، مشاهده شد که خویش‌کاری شخصیت‌های حکایات در محدوده خویش‌کاری‌های تئوری پراپ تبیین‌شدنی است، اما توالی این خویش‌کاری‌ها، در برخی حکایت‌ها، از توالی‌ای که پراپ ارائه کرده پیروی نمی‌کند. هم‌چنین، مشاهده شد که همه حکایت‌های بررسی‌شده از نظر ساختار خویش‌کاری‌ها مشابه‌اند و از همان ساختار ارائه‌شده پراپ برای قصه‌های پریان برخوردارند. دیگر این‌که در این پژوهش نیز موردی که حکم پراپ مبنی بر مانعة‌الجمع بودن محورهای H-I و M-N را نقض کند یافته نشد.

## پی‌نوشت

۱. در جدول نتایج تجزیه و تحلیل، برای هر حکایت، نخست شخصیت‌های محور عاشقانه حکایت و قهرمان فرض شده برای تحلیل ذکر شده است، سپس، نمودگار خویش‌کاری‌های حکایت. برای آشنایی با تعریف دامنه ۳۱ خویش‌کاری پراپ و زیرمجموعه‌های هریک از آن‌ها ← پراپ، ۱۳۸۶: ۵۹-۱۳۶ (فصل ۳، خویش‌کاری‌های اشخاص قصه). برای آشنایی با نشانه‌های اختصاری به‌کاررفته در تحلیل قصه‌ها ← پراپ، ۱۳۸۶: ۲۷۱-۲۷۸ (پیوست ۴، فهرست اختصارات).

## کتاب‌نامه

- ابراهیمی، شایسته (۱۳۸۸). «چاره‌گری زنانه در هزارویک شب»، *بهار ادب*، س ۲، ش ۲.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰). *ساختار و هرمنوتیک*، تهران: گام نو.
- اخوَت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*، اصفهان: فردا.
- اردلانی، شمس‌الحاجیه (۱۳۸۷). «عامل زمان در رمان سوروشون»، *زبان و ادبیات فارسی*، س ۴، ش ۱۰.
- استم، رابرت، رابرت بورگواين، و سندی فیلترمن (۱۳۷۷). «روایت‌شناسی فیلم»، ترجمه فتح محمدی، ویژه‌نامه *روایت و ضد روایت*، بنیاد سینمایی فارابی.
- اسکولز، رابرت و رابرت کلوگ (۱۳۷۷). «پیرنگ در روایت»، ترجمه امید نیک‌فرجام، ویژه‌نامه *روایت و ضد روایت*، بنیاد سینمایی فارابی.
- اسمایلی، سام (۱۳۷۷). *داستان*، ترجمه منصور براهیمی، ویژه‌نامه *روایت و ضد روایت*، بنیاد سینمایی فارابی.
- ایگلتون، تری (۱۳۶۸). *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- براهنی، رضا (۱۳۶۸). *قصه‌نویسی*، تهران: البرز.
- برتس، هانس (۱۳۸۴). *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی با اشاره‌ای موجز به آسیب‌شناسی رمان و داستان کوتاه ایران*، تهران: افراز.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۸۶). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
- پروینی، خلیل و هومن ناظمیان (۱۳۸۷). «الگوی ساختارگرایی ولادیمیر پراپ و کاربردهای آن در روایت‌شناسی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۱.
- پرین، لارنس (۱۳۶۲). *تأملی دیگر در باب داستان*، ترجمه محسن سلیمانی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
- پورکریمی شیرایه، معصومه (۱۳۸۹). «سیمای زن در هزارویک شب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، به راهنمایی سیدمحمد راستگو.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷). «دو اصل روایت»، ترجمه امید نیک‌فرجام، ویژه‌نامه *روایت و ضد روایت*، بنیاد سینمایی فارابی.

## ۱۲۲ ریخت‌شناسی حکایت‌های عاشقانه بخش «مکر زنان» در هزار و یک شب ...

- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۷). *مفهوم ادبیات*، ترجمه کتابیون شهپرراد، تهران: قطره.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۸). *بویطقهای نثر؛ پژوهش‌هایی نو درباره حکایت*، ترجمه انوشیروان گنجی‌پور، تهران: نشر نی.
- تولن، مایکل جی (۱۳۷۷). «ساختار بنیادین داستان»، ترجمه محمد شهباء، ویژه‌نامه *روایت و ضد روایت*، بنیاد سینمایی فارابی.
- خدیش، پگاه (۱۳۸۷). *ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- خراسانی، محبوبه (۱۳۸۰). «بررسی ساختاری روایت در حکایت‌های جامع هزارویک شب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی علی محمد سجادی.
- خراسانی، محبوبه، کتابیون مزداپور، و طیبه ذنوبی (۱۳۸۹). «تحلیل ساختاری مکر و حیلۀ زنان در قصه‌های هزارویک شب»، *پژوهش‌های ادبی*، س ۷، ش ۲۹ و ۳۰.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۷). «روایت، روایت‌گری، و تحلیل‌های شرح حال‌نگارانه»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۳۸). *از رنگ گل تا رنج خار؛ شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه*، تهران: علمی و فرهنگی.
- سناپور، حسین (۱۳۸۳). *ده جستار داستان‌نویسی*، تهران: چشمه.
- شکیمی ممتاز، نسرين (۱۳۹۲). «تحلیل روان‌شناسی اسطوره در داستان‌های هزارویک شب»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه الزهراء، به راهنمایی مریم حسینی.
- طسوجی، عبداللطیف (مترجم) (۱۳۸۳). *هزارویک شب*، ج ۴، تهران: جامی.
- غیائی، محمدتقی (۱۳۳۸). *درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری*، تهران: شعله اندیشه.
- فرای، نورتروپ (۱۳۷۷). *تحلیل نقد*، ترجمه صالح حسینی، تهران: نیلوفر.
- فورستر، ادوارد مورگان (۱۳۸۴). *جنبه‌های رمان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نگاه.
- کالر، جاناناتان (۱۳۸۸). *بویطقهای ساخت‌گرا: ساخت‌گرایی، زبان‌شناسی، و مطالعه ادبیات*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: مینوی خرد.
- گزمه، عاطفه (۱۳۹۰). «نقد کهن‌الگویی داستان‌های هزارویک شب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، به راهنمایی مریم حسینی.
- لطفی، اسماعیل (۱۳۹۰). «ریخت‌شناسی پنجاه قصه برگزیده هزارویک شب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان، به راهنمایی علی محمد شاه‌سنی.
- مارتین، والاس (۱۳۸۹). *نظریه‌های روایت*، ترجمه محمد شهباء، تهران: هرمس.
- محمدی، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی ساختار روایی و عناصر داستانی مجموعه حکایت‌های سندباد بحری در هزارویک شب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، به راهنمایی سعید حسام‌پور.
- محمودی، پراو (۱۳۸۸). «بررسی ساختار قصه‌های هزارویک شب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، به راهنمایی قهرمان شیری.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۴). *مبانی داستان کوتاه*، تهران: مرکز.
- موسوی، اکرم (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی ساختار روایی در هفت سفر سندباد بحری از هزارویک شب با



محمدامیر مشهدی و مقداد گلشنی ۱۲۳

- آخرین سفر یک ملوان، اثر جان بارت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی جلال سخنور.
- میرصادقی، جلال (۱۳۶۶). ادبیات داستانی: قصه، داستان کوتاه، رمان با نگاهی به داستان‌نویسی معاصر ایران، تهران: شفا.
- میرصادقی، جلال (۱۳۸۳). شناخت داستان، تهران: مجال.
- میلر، جی هیلپس (۱۳۷۷). «روایت»، ترجمه منصور براهیمی، ویژه‌نامه روایت و ضد روایت، بنیاد سینمایی فارابی.
- نجفی بشردوست، محمد (۱۳۸۲). «گشایش و بست روایی در افسانه‌های هزارویک شب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به راهنمایی علی محمد حق‌شناس.
- هارلند، ریچارد (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت، ترجمه علی معصومی، ناهید سلامی، غلام‌رضا امامی، و شاپور جورکش، تهران: چشمه.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۸۴). هنر داستان‌نویسی، تهران: نگاه.

